
مرگ‌شناسی و آثار تربیتی آن در مثنوی مولانا

**Death and its Educational Impacts from
Mawlana Jalal al-Din's Perspective**

تألیف :

دکتر زمرا قنبر پور

دکتر محمد حسین یار محمدیان



سرشناسه	: قنبرپور، زهرا -
عنوان قراردادی	: مثنوی برگزیده، شرح
عنوان و نام پدیدآور	: مرگ‌شناسی و آثار تربیتی آن در مثنوی مولانای زهرا قنبرپور، محمدحسین یارمحمدیان.
مشخصات نشر	: تهران: پادینا؛ (خوراسگان اصفهان): دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۶ ص: مصور (رنگی).
شابک	: ۲۰۰۰۰ ریال 978-600-96294-4-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۹۰.
موضوع	: مولوی، جلال‌الدین محمدبن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۴ ق. مثنوی -- مرگ
موضوع	: مرگ در ادبیات
شناسه افزوده	: یارمحمدیان، محمدحسین، ۱۳۴۳ -
شناسه افزوده	: مولوی، جلال‌الدین محمدبن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق. مثنوی. برگزیده. شرح
شناسه افزوده	: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان
رده بندی کنگره	: PIP ۵۳۰۱۳۹۵ ۴م ۶۴۱
رده بندی دیویی	: ۲۱۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲۸۸۷



مرگ‌شناسی و آثار تربیتی آن در مثنوی مولانا

♦ مؤلفان: دکتر زهرا قنبرپور و دکتر محمدحسین یارمحمدیان

♦ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۲۹۴-۴-۲

♦ ناشر: انتشارات پادینا - تلفن: ۷۷۴۲۱۷۵۷ و ۰۹۱۲۵۰۸۸۳۸۱

♦ ناشر همکار: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

♦ شمارگان: ۱۰۰۰ جلد - نوبت چاپ: تهران، اول ۱۳۹۵

♦ چاپ و صحافی: کیامرثی

♦ قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

www.padinapub.com و padina.pub@gmail.com

این اثر، مشمول قانون حمایت مؤلفان است، هر فردی تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف (ناشر)

نشر یا پخش یا عرضه نماید مورد پیگرد قانونی دارد.

فهرست مطالب

۱۵.....	مقدمه
فصل اول (زندگی نامه و انسان شناسی مولانا)	
۲۱.....	مقدمه
۲۲.....	شمه‌ای از احوال و زندگی مولانا
۲۶.....	آثار مولانا
۲۶.....	آثار منظوم
۲۸.....	آثار منثور
۲۹.....	روش عرفانی مولانا در متنوی
۳۰.....	الهام مولانا از قرآن
۳۱.....	مفهوم انسان شناسی
۳۲.....	انسان از دیدگاه خاتب اودمی
۳۵.....	انسان از دیدگاه متفکر غربی
۴۱.....	ضرورت شناخت انسان
۴۲.....	جایگاه و منزلت انسان
۴۳.....	انسان از دیدگاه مولانا
فصل دوم (هدف از آفرینش و حقیقت انسان)	
۵۱.....	مقدمه
۵۲.....	هدف از آفرینش انسان و جهان
۵۲.....	انسان علت غایی خلقت جهان است
۵۳.....	آدمی اضطراب حق است
۵۵.....	آدمی مرآت وجه حق است
۵۷.....	وجود انسانی شاهکار خلقت است
۶۰.....	انسان آمیزه‌ای است از استعدادهای متضاد
۶۳.....	انسان مظهر خداوند است
۶۳.....	انسان به ظاهر ناتوان و به باطن نیرومند است
۶۴.....	اصل انسان از خاک است
۶۵.....	پوشیدگی حقیقت انسان بر کل جهان
۶۶.....	سیر تکاملی خلقت انسان
۶۹.....	مراتب انسان‌ها
۷۰.....	انسان کامل
۷۷.....	روح
۸۱.....	زایش در مردن

فصل سوم (مرگ‌شناسی مولانا و آثار تربیتی مرگ)

۸۵	مقدمه
۸۶	مفهوم مرگ
۸۸	اقسام مرگ
۹۰	مرگ‌اندیشی و اهمیت آن
۹۲	درس مرگ‌اندیشی با روایت مثنوی و نهج البلاغه
۹۲	رابطه مرگ‌اندیشی و عشق به زندگی
۹۳	مرگ‌اندیشی تنها عامل رهایی از ابتذال
۹۴	مرگ با آن زندگی نیست
۹۵	امکا- مرگ‌اندیشی
۹۵	الف- تجربه شخصی
۹۵	ب- هشدر انبیا و اولیا تا اسلام
۹۶	ج- بصیرت باطنی
۹۷	موانع مرگ‌اندیشی
۹۹	نگاه شوق‌آمیز مولانا به مرگ
۹۹	عید مرگ
۱۰۰	برخی از علل نگاه شوق‌آمیز مولانا به مرگ
۱۰۰	مرگ عروج از جهان فرودین به بهشت مرگ
۱۰۱	انواع مرگ‌اندیشی از نگاه مولانا
۱۰۲	تولد ثانی یا حیات دوم از نگاه مولانا
۱۰۳	فلسفه مرگ به بیان مولانا
۱۰۳	علت زنده شدن پس از مرگ
۱۰۴	بازگشت به اصل خویش
۱۰۵	انگیزه مرگ‌خواهی در مثنوی
۱۰۶	جاودانگی
۱۰۷	کمال و مرگ
۱۰۸	اصل و مرگ
۱۱۰	معرفت و مرگ
۱۱۰	رهایی و مرگ
۱۱۲	انواع مرگ از دیدگاه مولانا (اجباری و اختیاری)
۱۱۲	مرگ اجباری
۱۱۳	مرگ اختیاری (ارادی)
۱۲۱	رسم «لا» و «الا»
۱۲۲	رسم اناالحق گفتن

۱۲۴	نقش تمثیل در تصویر مرگ
۱۲۴	تبییهات مرگ برای صالحان و برای کافران از دیدگاه مولانا
۱۲۵	تشبیهاات مرگ
۱۳۲	شهادت از دیدگاه مولانا
۱۳۶	ترجیح مرگ ارادی بر شهادت
۱۳۸	درس آموزی از مرگ
۱۴۰	دلالت‌های تربیتی مرگ و مرگ‌اندیشی از دیدگاه مولانا
۱۴۰	جایگاه «مرگ» و مرگ‌اندیشی در اندیشه مولانا
۱۴۱	از چهار منظر می‌توان به مرگ و مرگ‌اندیشی نگریست:
۱۴۳	انواع مرگ‌اندیشی از دیدگاه مولانا
۱۴۴	نتیجه‌گیری
۱۵۳	فهرست منابع
۱۵۹	پیوست
۱۶۱	تاریخچه سماع
۱۷۴	منابع تاریخچه سماع
۱۷۷	تصاویری از آرامگاه مولانا

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که فکر آدمی را به خود مشغول می‌دارد، اندیشه مرگ است. وحشت از مرگ و کوتاهی عمر یکی از دغدغه‌های بشر در طول تاریخ بوده است. مثال‌های فراوانی به شکل قصه، روایت، نقل و داستان‌سرایی در مورد تلاش انسان برای دستیابی به حیات جاویدان در صفحات تاریخ و ادبیات به ثبت رسیده است. اینکه آیا بشر بالاخره می‌تواند "نوشداروی" مرگ را کشف کند و حیات ابدی خود را در دنیا آغاز نماید در حال حاضر مسئله‌ای است ناروشن. اهمیت و لزوم شناخت مرگ برای انسان امروز به جایی رسیده که محققان و دانشمندان رشته‌ای به‌عنوان مرگ‌شناسی یا تاناتولوژی^۱ ایجاد کرده‌اند. واژه تاناتولوژی از نام ایزد مرگ در اساطیر یونان باستان یعنی تاناتوس گرفته شده که همراه با برادرش هینپوس، ایزد خواب که هیپنوتیزم نیز از اسرار او مشتق شده است، فرزندان ایزد شب به شمار می‌رفتند. (کاپلان، ۱۳۷۹، ص ۱۲۳)

مولانا در گوشه و زوایای روح روزگار می‌بساند انسانی روان‌شناس و آگاه است، حکایت غم و وحشت آدمی و این دغدغه همیشگی بشر را با خوبی در می‌یابد. بدین روی حکایت مرگ را به بهترین نحو می‌سراید و با بدل کردن مرگ به حیات دوباره، به کیمیای ایمان و معرفت، چنگ در دامان وصال می‌زند. او هرگز از مرگ نمی‌هراسد. خانه یا در آغوش کشیدن آن رنگ و بویی جاوید به مرگ می‌بخشد. او حکایت رویش و جوشن حیات را از دل مرگ این‌گونه می‌سراید:

از جمادی مُردم و نامی شدم	وز نما مُردم، به خورشید بر زدم
مُردم از حیوانی و آدم شدم	پس چه ترسم؟ کی ز مُردن کم شدم؟
حمله دیگر بمیرم از بشر	تا برآرم از ملایک پیر و سر
وز ملک هم بایدم جستن ز جو	«كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ»
بار دیگر از ملک قُربان شوم	آنچه اندر وَهْم ناید آن شوم
پس عدم گردم، چون ارغنون	گویدم که «إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»

(۳/ ۳۹۰۶ - ۳۹۰۱)^۲

^۱ Tanatology

^۲ منبع همه ابیات مثنوی معنوی در این کتاب از تصحیح نیکسون است.

آنچه در این کتاب مورد بررسی قرار می‌گیرد یکی از مسائل مهم حیات فکری انسان به‌طور عام - و عرفا از جمله جلال‌الدین محمد - به‌طور خاص - است و مسئله مرگ و تحلیل نگاه‌های مربوط به آن را شامل می‌شود. مولوی درباره مرگ سخنان ژرف و پرمغزی دارد. برای بررسی این پدیده، آثار مولوی به‌ویژه مثنوی و تمام سخنان و تمثیلات مولانا در این باب استخراج و جمع‌بندی و تحلیل شد. مرگ در آثار مولوی در دو منظر کاویده شده است: مرگ به‌طور کلی که به سراغ همه خلایق می‌آید و همگی از آن مرحله در عمرشان عبور خواهند کرد (مرگ اجباری) و دیگری (مرگ اختیاری) که از حیث معرفتی، مبنای قرآنی و حدیثی دارد. مولوی در جای‌جای آثارش رخصت مرگ اختیاری با آوردن تمثیلاتی بسیار دقیق به تصویر این پدیده پرداخته و نسبت به دیگر صوفیه‌ای که در این باره سخن گفته‌اند بهتر و بیشتر توانسته است شناخت خود را از آن، به خواننده آثارش انتقال دهد. در ذیل، بیشتر به تفسیر کتاب مثنوی معنوی می‌پردازیم:

مثنوی ما دکا رحمت است غیر واحد هرچه باشد آن بت است
(۱۵۲۸/۴)

این همه گفتیم لیک اندر بسج بی عنایات خدا هیچیم، هیچ
(۱۸۷۸/۱)

بی عنایات حق و خاصان حق هر ملک باشد سیاهستش ورق
(۱۸۷۹/۱)

ای خدا ای فضل تو حاجت‌روا هر کس نبود روا
(۱۸۸۰/۱)

مثنوی معنوی مهم‌ترین اثر جلال‌الدین محمد، مطالب بلند و مضامین بالیه‌ای دارد که تاکنون برای هیچ کدام از اولیا و عرفای عالی‌قدر چنین رهاوردی از حقایق عالم غیب دست نداده است. از دیدگاه اندیشمندان ادب، فلسفه و عرفان، مثنوی سرمشقی از آموزگار معرفت و گلدسته‌ای از گلزار محبت است. مثنوی از دیدگاه خود مولانا ندای جانفزای حق است و خاموشی مطلق. مثنوی شورش درون است و غوغای دامن چاکان. مثنوی بند است و رهایی، بند در درد و رهایی در نفس. مثنوی رخش زیبایی ذکر است و سیمرغ ناپیدای فکر. پس جای شگفتی نیست که هرکس از این نامه‌ی زندگانی، بهره‌ای فراخور نیاز خود بر می‌گیرد. مسلمان از قالب ظاهری آن، شریعت؛ سالک از احکام باطنی آن، طریقت و عارف از تقرب و توصل آن، حقیقت را در می‌یابد. (لاهوری، ۱۳۷۷، فروزانفر، ۱۳۷۹)

مولانا می‌گوید:

پس ز نقش لفظهای مثنوی صورتی ضال است و هادی معنوی
(۶/۶۵۵)

چون ز دریا سوی ساحل باز گشت چنگ شعر مثنوی با ساز گشت
(۲/۵)

مثنوی که صیقل ارواح بود بازگشتش - روز افتتاح بود
(۲/۶)

از دکن، شاه تارخان و مفسران ادبی و دینی، مثنوی دریاست، اما شاخه‌ای از اقیانوس دور دامن قرآن. یکایک موج‌ها، مفاهیم مثنوی گواهی از قرآن با خود دارد، خواه به عین عبارت و خواه با اشاره به معنا. مولانا این امر سترگ را با تکیه بر قرآن و احادیث نبوی خلق نموده و کمتر صفحه‌ای از آن را می‌توان یافت که خارج از اندیشه‌های قرآن باشد. علاوه بر مضامین و موضوعات قرآنی در مثنوی، تبحر و چیره‌دستی مولانا در استفاده از آیات و استدلال به آن‌ها در دفاتر شش‌گانه مثنوی برای استحکام بخشی به باوهای خود در موارد مختلف، حکایت از یک همجوشی عمیق و همراهی دیرین با قرآن و وقوفی همه‌جانبه به مثنوی آن دارد. (افلاکی، ۱۳۶۲، ص ۷۲۱)

در این کتاب یکی از ارزشمندترین مباحث عرفانی مولانا یعنی مرگ را در مثنوی مورد بحث و فحص قرار می‌دهیم. بدین ترتیب که ابتدا مباحثی در جمعا، انسان‌شناسی مولانا، مراتب انسان‌ها، خودشناسی، ابعاد وجودی مرگ و ماهیت مرگ، انواع مرگ، مباحث روح و نفس و مرگ، عوامل و تکامل انسان و اهمیت و ضرورت مرگ‌اندیشی و مرگ‌آگاهی مورد بررسی قرار خواهند گرفت. از آنجا که سرتاسر مثنوی مشحون از مباحث انسان‌شناسی و مسائل اخلاقی، اجتماعی و معنوی می‌باشد، و مفهوم مرگ در هندسه معرفتی مولانا ذیل مبحث انسان‌شناسی مطرح می‌شود و نوع نگاه مولانا به انسان انعکاسی از جهان‌بینی اسلامی است؛ مولانا سعی کرد جهت استحکام بخشی به موضوعات مطروحه خود از مضامین قرآنی و احادیث قدسی و نبوی استفاده نماید.

این کتاب سه فصل را شامل می‌شود:

فصل اول، شمه‌ای از احوال و آثار مولانا، روش عرفانی مولانا در مثنوی، الهام مولانا از قرآن، انسان از دیدگاه مولانا، سیر تکاملی انسان، انسان از دیدگاه مکاتب اسلام، انسان از دیدگاه مکاتب غرب، جایگاه انسان‌شناسی، ضرورت شناخت انسان،

فصل دوم، هدف از آفرینش انسان، انسان علت غایی خلقت جهان، آدمی اصطراب حق، آدمی مرآت وجه حق، وجود انسانی شاهکار خلقت، انسان آمیزه‌ای است از استعدادها، متضاد، انسان مظهر خداوند، وجود آدمی پیچیده و لایه در لایه، انسان به ظاهر ناتوان و به باطن نیرومند، اصل انسان از خاک، پوشیدگی حقیقت انسان بر کل جهان، سیر تکاملی خلقت انسان، مراتب انسان ها، از ن کامل، روح، زایش در مردن.

فصل سوم، چو نهوه مرگ، اقسام مرگ، مرگ‌اندیشی و اهمیت آن، درس مرگ‌اندیشی با روایت مثنوی و تفسیر، رابطه مرگ‌اندیشی و عشق به زندگی، مرگ‌اندیشی تنها عامل رهایی از ابتدال، مرگ پایان زندگی نیست، امکان مرگ‌اندیشی، موانع مرگ‌اندیشی، نگاه شوق‌آمیز مولانا به مرگ، تولد ثانی از نگاه مولانا، فلسفه مرگ به بیان مولانا، انگیزه مرگ‌خواهی در مثنوی، جاودانگی، کمال و مرگ، اصل و مرگ، معرکت و مرگ، رهایی و مرگ، انواع مرگ از دیدگاه مولانا، رمز لا و الا، رمز انال‌الحق گفتن، سس انیل در تصویر مرگ، تشبیهات مرگ، شهادت از دیدگاه مولانا، ترجیح مرگ ارادی بر شهادت، درس آووزی از مرگ، دلالت‌های تربیتی مرگ و مرگ‌اندیشی از دیدگاه مولانا، جایگاه مرگ و مرگ‌اندیشی در فلسفه مولانا، نگاه مولانا به مرگ و مرگ‌اندیشی و انواع مرگ‌اندیشی از دیدگاه مولانا؛

گیری از این نوشتار انجام شده است. و در خاتمه نتیجه